

قید و اقسام آن

قید کلمه یا گروه کلمه ها یا جمله ای است که فعل یا صفت یا یا قید دیگر یا جمله ای را به چیزی از قبیل زمان، مکان، مقدار، حالت، کیفیت، تأکید و جز آن مقید می کند و به طور کلی می توان گفت که قید بر خلاف صفت به اسم و جانشین اسم چیزی نمی افزاید مانند:

پرویز تند می رود. (که تند فعل می رود را مقید می سازد و قید کیفیت آن است).
پرویز خیلی خوب است. (که خیلی قید مقدار است برای خوب که صفت پرویز است).
پرویز بسیار تند می رود. (که بسیار قید است برای تند که تند هم خودش قید است).
متأسفانه امروز هوا ابری است. (متأسفانه قید است که جمله ی امروز هوا ابری است را مقید می سازد).

تذکر: علامت مشخصه ی قید آن است که می توان آن را از جمله حذف کرد، بدون اینکه معنی جمله غلط شود. (زیرا قید چیزی به معنی جمله می افزاید، نه اینکه نقص جمله را مانند «متمم یا تمیز» رفع کند). یعنی در جملات بالا می توان ، «تند، خیلی ، بسیار، متأسفانه» را حذف کرد. قیدها به دو دسته تقسیم می شوند: مختص و مشترک.

1- قید مختص: بعضی قید ها فقط نقش قیدی می پذیرند یعنی همیشه به عنوان قید استعمال می شوند. مانند:

ناگهان، هرگز، هنوز، البته، مثلاً، احیاناً، اتفاقاً

2- قید مشترک: قیدی است که بتوان آن را به عنوان صفت یا اسم یا جانشین اسم یا فعل هم در جمله ی دیگری به کار برد. مانند: خوب، بد، روز، شب، خود، گویی
قید مختص عده ی معدودی بیش نیست اما قید مشترک بیشمار است.
قید ساده (مفرد): قیدی است که فقط یک جزء داشته باشد مانند: همیشه، هنوز، خوب، روز، شب و...

قید مرکب: قیدی است که بیش از یک جزء داشته باشد مانند: گاه گاه، سال تا سال، با

خوشحالی، بی دریغ، زاری کنان دیوانه وار، نا مناسب، بلاشک و...

قید مؤول: اگر جمله ای به عنوان قید جمله ی دیگر استعمال شود آن را قید مؤول می گویند. در حقیقت اگر جمله ی پیرو برای جمله ی اصلی یا پایه کار قید را انجام دهد آن را قید مؤول می گویند. مانند:

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
جمله پیرو « که جان دارد و جان شیرین خوش است » ؛ قید علت است برای جمله ی پایه «
میازار موری که دانه کش است. »
مثالی دیگر:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد
جمله ی پیرو « تا مرد سخن نگفته باشد » قید زمان است برای جمله ی پایه « عیب و هنرش نهفته
باشد »

تذکر: قید مؤول غالباً با یکی از حروف ربط آغاز می شود.

اقسام قید از جهت معنی

قید زمان : زمان وقوع فعل را می رساند مانند: اکنون ، امروز ، همیشه ، همواره ، دیشب ، هنوز ،
بار ها ، پاسی ، جلد ، شب ، وقت ، ایام
قید مکان : مکان وقوع فعل را بیان می کند . مانند : اینجا ، آنجا ، بالا ، پایین ، نزدیک ، بیرون ،
گوشه

قید مقدار یا کمیت : مقدار و اندازه را بیان می کند. مانند: کم ، زیاد ، فراوان ، بسیار ، همه ،
کمابیش، سراسر

قید کیفیت یا چگونگی : که طرز یا چگونگی وقوع فعل را می رساند . مانند: خوب ، به
آرامی، آهسته ، بلند ، زیبا ، به سرعت ، درشت

قید حالت یا وصفی : حالت فاعل یا مفعول را در هنگام وقوع فعل می رساند. مانند: افتان و
خیزان ، گریان ، شادی کنان، مست ، هوشیار، پیاده ، خوابیده، دست به سینه

قید علت: علت وقوع را بیان می کند. مانند : چرا که ، زیرا که ، به دلیل ، از این رو
قید تأکید: هر آینه ، به راستی ، بلکه ، سخت ، ناچار ، بی گمان ، به درستی ، آری
قید تشبیه : همانا ، مانا ، مانند ، اینگونه ، چنین ، چنان همچون
قید ترتیب : انجام ، نخست ، باز ، اول ، دوم ، پیایی ، لقمه لقمه ، یکباره ، دمام
قید نفی : نه ، هیچ ، خیر ، هرگز ، هیچگاه ، به هیچ وجه ، ابداً ، حاشا
قید استثناء : مگر ، الا ، غیر از آنکه ، به جز ، مگر که
قید های تکرار: باز ، دگر ، هم ، دوباره ، دیگر بار
قید شک و تردید : شاید ، مگر ، پنداری ، گویی ، گویا ، به گمانم
قید تمنی : کاش ، کاشکی ، بشود ، ای کاش
قید تاسف : افسوس ، متاسفانه
قید تعجب : عجا ، شگفتا